

## سرمقاله

نسبت به آنچه پیش می‌اندیشیده است. می‌گویند که او گشایشی کرده در موضوعاتی جدی و باید همت کرد و آنها را به تکامل رساند. می‌گویند آقا مرتضی اهل مطالعه و پژوهش بوده و اگر کسی می‌خواهد راهش را ادامه دهد نباید از او عقب تر باشد. مطمئنا نوشته‌های شهید آوینی بهترین منبع برای درک تفکراتش می‌باشد. متن روان و منطقی و سراسر ارجاع او، خواننده را همچون دنبال کردن رمانی زیبا، به ادامه‌ی مسیر می‌کشاند و منابع نوشتاری و تصویری او خواننده را برای ورود به دنیایی جدیدتر وسوسه می‌کند. متن حکومت واحد جهانی قسمتی از سیر مطالعاتی آثار گردآوری شده‌ی شهید آوینی است که توسط دانشجویان دانشکده فنی تنظیم شده است. مطالب داخل « » عین مطالب کتاب است.

غرب با داشتن عالی‌ترین قدرت‌های تکنیکی و علمی و فلسفی، و با خریدن همه‌ی نوع‌هایی که در دنیاست و با این‌که میراث علمی همه دنیا را دارد، و با این‌که مجموعه‌ی ساخته‌ها و اندوخته‌های تمام رشته‌های علمی را با خود دارد - یا گرفته یا خودش آفریده - و در بلند ترین قله‌ی تکامل " فلسفی - علمی - تکنیکی " ایستاده، و ثمره‌ی تمام تالش‌های علمی بشریت از آغاز تا کنون را در دست دارد، اما از داشتن چیزی محروم است، که این نداشتن، او را علی‌رغم مجموعه‌ی سلاح های مادی و غیر مادی، معنوی و نظامی‌اش، در برابر جامعه‌های فاقد هر گونه سلاحی، پابرنه‌ها، گرسنه‌ها، و بی‌خانمان‌ها، که حتی وسیله دفاع از زندگی معمولی خود و خانواده‌شان را هم ندارد، ضعیف کرده، وادار به شکست کرده، وادار به تسلیم کرده . ... این پابرنه‌ی گرسنه‌ی فقیر، این محکوم فقیر و بیماری و گرسنگی و پابرهنگی و عریانی ، در برابر، فقط مسلح به یک چیز است : فکر، اِهان، یک ایدئولوژی، یک هدف، یک آگاهی روشن بینانه ( با این‌که حتی سواد هم ندارد )، در برابر،انسانی و قدرتی است که مجموعه‌ی قدرت علمی و صنعتی و فلسفی بشریت را و سرمایه‌ی جهان را، در اختیار خود دارد و با او می‌جنگد، او به زانو در می‌آید!

دکتر علی شریعتی/ خودآگاهی و استحمار



## حکومت واحد جهانی

یکی از نتایج فوق العاده مهم اصلت ماده این است که انسان شناسی نیز از صراط مستقیم خارج می‌شود، انسان را حیوانی پیشرفته فرض می‌کند و تنها وجه تمایز بین انسان و حیوان را داشتن ابزارهایی متکامل برای زندگی می‌پندارد. در این جاست که تبعات وارونگی مفاهیم به وضوح درک می‌شود! نیل به لذّات حیوانی متعالی‌ترین هدف انسانها می‌شود که برای دسترسی به آن باید شرایط زندگی را به بهترین شکل تغییر داد. بشر جدید برای اینکه در انسانیت خود به کمال بیشتری برسد سعی می‌کند ابزار زندگی خود را تکامل بخشد تا به شکل گسترده‌تری در طبیعت تصرف کند و برای تمتع بیشتر از لذایذ دنیوی به دنبال توسعه‌ی همه جانبه است: "... توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمتگیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد." (۱) در نتیجه توسعه به معنای سمت

گیری کل نظامات اقتصادی و اجتماعی ( اعم از آموزشی، قانون گذاری، اجرایی ...) در جهت رشد اقتصادی است یا به عبارتی دیگر، اقتصاد باید زیربنا و مبنای همه‌ی تحولات و برنامه ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی ما باشد! این تعبیر مدرن از توسعه و اقتصاد ثمره‌ای جز تمدن کنونی غرب ندارد، تمدنی که با تکیه بر بنیان‌هایی مشخص، حکومت واحد جهانی را تجربه می‌کند. این نظام استکباری جهانی برای ایجاد وحدت و محکم کردن پایه‌های قدرت خود از عوامل مهمی استفاده می‌کند:

« تکنولوژی مدرن را باید اساسی ترین عامل توسعه جهانی استکبار دانست، چرا که از یک سو با ایجاد یک تحول بنیادین در حیات بشر همه تمدن ها را نابود کرده است و تمامی بشریت را در صورت واحدی از معیشت که آن را باید معیشت تکنولوژیک دانست جمع آورده است. و از سوی دیگر، تکنولوژی مدرن همه نیازهای بشر را در جنبه مادی و حیوانی وجودش خلاصه کرده است و با ارضای گسترده این سوانق تا حد اشباع، او را نسبت به حیات معنوی خویش غفلت بخشیده و آثار وضعی این غفلت در زندگی انسان امروز اگر چه سخت اسفبار است، اما اسفبار تر از آن، جهل مرکبی است که اجازه نمی‌دهد تا او بر این غفلت آگاهی پیدا کند.»

« این نظام سلطه جهانی که حاکم بلامنازع آن آمریکاست از لحاظ اقتصادی با یک سیستم جهانی بانکداری که شیرازه آن در کف وال استریت است همه تحولات اقتصادی جهان را کنترل می‌کند و دلار معیار همه پول هاست. از لحاظ سیاسی نیز این نظام سلطه جهانی نظام واحدی است با حاکمیت آمریکا، و مقابله های درونی آن را هرگز نباید به

شده از گروهک ریگی است . جیش العدل گویی می‌خواهد خاطرات تلخ کشتارهای ریگی را دوباره برای مردم نواحی مرز نشین به خصوص سیستان و بلوچستان زنده کند اما انگار این

بار کمی با دغل بازی بیشتر وارد میدان شده و شاید نفرت شیعه و سنی از ریگی را درک کرده و به جای رویارویی مستقیم با قومیت و مذهب مردم و کشتار شیعه و سنی ، سعی کرده ظاهر را تا حد امکان حفظ کند ؛ از این رو در یکی از اعلامیه ها برای نشان دادن حسن نیت خود خطاب به بومیانی که در حفاظت از مرزها به مردم کشور خدمت می‌کنند اعلام می‌دارد که این بومیان در عملیات هایی که این گروهک علیه به زعم خودشان مزدوران رژیم ( مرزبانان و بسیجیان و سپاهی‌های غیر بومی نقاط مرزی ) انجام می‌دهد در امان‌اند و در ادامه‌ی همین سخنان، خواسته‌ای مضحک را مطرح می‌کند که : « اگر درگیری به اجبار روی داد لوله سلاح را در عین درگیری، به سوی نیروهای رژیم بگیرید و به درک واصلشان کنید و در آخر خود را تسلیم نمایید و بدانید که این تسلیم به نشان آزادگی شماس‌ت و با دید و برخورد محترمانه روبرو خواهید گشت .»

۳ مرور مواضع این گروه که خود را دادخواه و طرفدار حقوق مسلمین معرفی می‌کند ، در بعد بین‌المللی و در مواجهه با حوادث منطقه و دیگر نقاط جهان شاید بتواند پارچه‌ی سیاه روی صورتشان را کمی کنار بزند ؛ در حوادث سوریه همانطور که پیش تر آمد خود را دادخواه - به زعم خود - مردمان سنی مذهبی می‌دانند که به دست نیروهای بشار اسد کشته شده‌اند ( بررسی ابعاد حوادث سوریه و اقدامات ارتش و گروههای تروریستی مجال دیگری را طلب می‌کند و از حوصله‌ی این نوشتار خارج است) و همه چیز را در یک دعوای مذهبی خلاصه می‌کنند و کشتار مردم بی‌گناه سوریه را بدین وسیله توجیه و امری لازم در راستای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران ( به قول خودشان نظام صفوی) قلمداد می‌کنند ، عدم موضع گیری در برابر هیچ کدام از کشتارها و غارت‌هایی که رژیم اشغالگر قدس در قبال مردمان نقاط مختلف فلسطین ( که اکثرا سنی مذهب هم هستند ) روزانه انجام می‌دهد ، جملگی واهی بودن ادعاهای طرفداری از مردم بی گناه و بی دفاع را بیش از پیش روشن می‌کند.

## جیش التفرقه

از این پس قرار است بخشی در نشریه تحت عنوان ستون آزاد تعبیه شود. این بخش توسط عموم دانشجویان، از هر گروه و تشکلی نگارش و گردآوری می‌شود و حاوی مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. مطالب این بخش باید شریطی از جمله احترام به عقاید، آداب و رسوم و قومیت‌ها را دارا باشد و در بیان مسائل مصرح تاریخی صادق باشد. محتوای ستون آزاد به هیچ وجه مورد تأیید تشکل بسیج دانشجویی نیست و تنها در راستای تحقق گوشه‌ی کوچکی از کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاه است که ان شاء الله در سایر عرصه‌ها نیز ادامه پیدا کند. از تمامی دانشجویان تقاضا می‌شود تا مطالب مورد نظر خود را به ایمیل nabz.fanni@gmail.com تحت عنوان ستون آزاد ارسال نمایند. ضمناً حق پاسخگویی متقابل برای تمامی افراد وجود دارد.

## تقلید

این روزها زیر سوال بردن تقلید به یک پز روشنفکری تبدیل شده است و هر کسی می‌خواهد در حوزه روشنفکری دینی سری توی سرها در بیاورد دیواری کوتاه تر از دیوار مراجع تقلید پیدا نمی‌کند اما اینکه این همه همه به یک نقطه انجام می‌شود نشان گر نقطه ضعفی است که شاید در طی دویست سالی که از عمر اصطلاحی به نام مرجع تقلید می‌گذرد به این امر توجه نشده است، این نقطه ضعف این است که فقه از دیر باز در همه حوزه‌های مربوط به زندگی ورود کرده است اما عصر حاضر بواسطه پیچیده شدن مسائل مستحدثه‌ی جوامع، اقتضائاتی دارد که با ۲۰۰ سال پیش فرق می‌کند، همه‌ی عرصه‌های زندگی در جوامع مدرن امروزی هر کدام صاحب متخصص شده اند متخصصانی که ادعا دارند در حوزه خود بیشتر از هر کسی تحقیق و تفحص کرده‌اند لذا ان قلت‌هایی در پنهان و آشکار، به احکام مراجع وارد می‌کنند که هرچند نادرست باشد باز توانایی تأثیر بر مخاطب عام و تشکیک در ذهن آنها را دارد.

در این میان یک مسئله که هم منتقدین تقلید که تقلید را کار میمون می‌دانند و هم مدافعانش به آن بی‌توجه هستند این است که در تقیسات ارسطویی علوم، همه‌ی مسائل مربوط به زندگی فردی و تعامل با اجتماع - که حوزه احکام عملی مجتهدین را بر می‌گیرد - ذیل علم اخلاق طبقه بندی می‌شود و اخلاق شامل دو طیف علمی و عملی می‌شود. وقتی فرد از اخلاق علمی و متقن مکاتب فکری به سمت اخلاق عملی سیر می‌کند دیگر این محاکات او با وجدان و خدای خویش است که تعیین کننده است چرا که برخی از مسائل مربوط به اخلاق آنقدر پیچیده است که نمی‌شود حکم کلی درباره آن صادر کرد. اما در ساحت کلیات می‌بایست معیارها و شاخص‌هایی باشد؛ لذا فقیه حکم شاخص را استنتاج می‌کند؛ ولی این فرد است که در محاکات با نفس خویش به عمل می‌رسد.

اما این قاعده درباره احکام فردی است. احکام اجتماعی - که بسیاری از احکام ظاهراً فردی مانند نماز هم در باطن اجتماعی هستند - شامل این قاعده نمی‌شود. مثال این امر موسیقی است. قبل از انقلاب اکثر علمای اعلام تولید، فروش، حمل، نواختن و گوش دادن به موسیقی سازی و حتی بخشی از موسیقی آوازی را هم حرام می‌دانستند ولی در همان زمان هنرمند فرزانه و متشرعی مانند محسن نهر تار می‌نواخت. موسیقی یاد می‌گرفت و یاد می‌داد. بعدها در دهه شصت برخی شقوق موسیقی حرام و برخی حلال اعلام شد ولی باز ایشان کار خود را می‌کرد. امروزه احکام فقها بخصوص حضرت آیت الله خامنه‌ای در باب موسیقی بسیار آسان تر شده است و حتی بسیاری چیزهایی که موسیقیدانان متشرع ممکن است جایز ندانند، ایشان و برخی مراجع جایز می‌دانند. ماجرا چیست؟ آیا مراجع اشتباه می‌کردند؟ نه مراجع براساس ظواهر و معیارهایی برای کلیت اجتماع حاضر حکم می‌کنند ولی متخصص موسیقی امروز فردا و پس فردای نسبت موسیقی با جامعه را می‌بیند و به تکلیف الهی خود عمل می‌کند.

حقایق عالم جمع بین اضداد است برای درک احکام دین می‌بایست از قالب خشک توضیح المسائل عملی مراجع در آمده و ضمن نگه داشتن فقه در جایگاه خود، فرد و نسبتش با خدا و معارف دیگر دینی و حکمت اسلامی را نیز می‌بایست در نظر گرفت. تقلید در مسائل اجتماعی دینی از آنجا که دین روشی اجتماعی برگرفته از وحی است شیوه میمون نیست چرا که تفاوت انسان با حیوان همین اجتماعی بودن و توانایی اجتماعی شدن است اما باید بدانیم که خودشناسی فرد که مبنای توحید است بر دادگاه وجدان او حکم می‌کند و این محاکات فرد است که داده‌ها را از مجتهد می‌گیرد ولی بر مبنای پردازش خود عمل می‌کند.

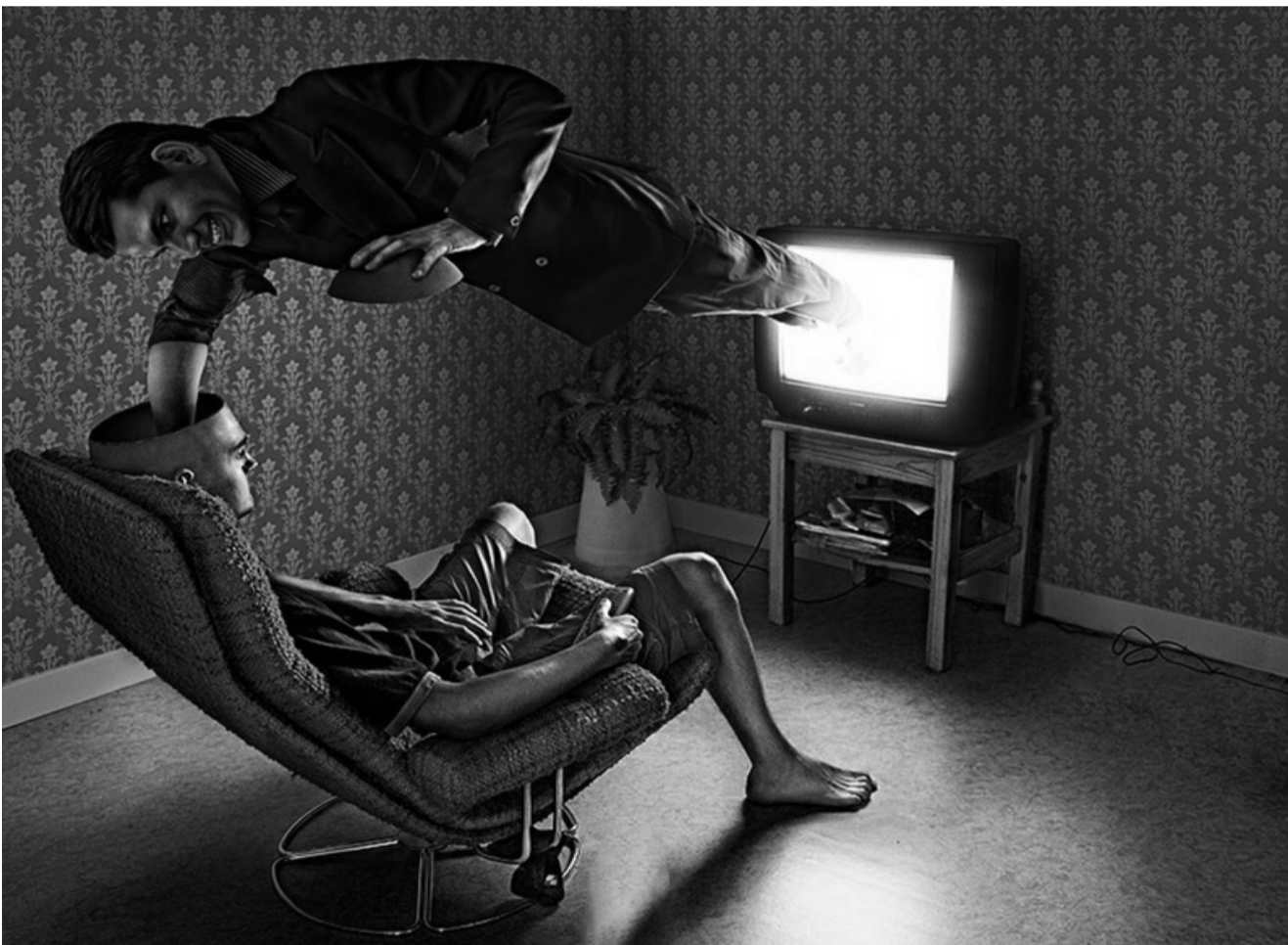
با اینکه بخش‌هایی از صحبت‌های ایشان را می‌توان مورد قبول دانست (به هر حال یکی از راه‌های درآمد زایی برای تمامی رسانه‌های دنیا تبلیغات است)، اما افراط در این مسأله امری است که باید به رسانه ملی گوشزد کرد! اینکه به خاطر کمبودهای مالی صبح‌ها آنتن را تماماً در اختیار برنامه‌هایی قرار می‌دهند که هدفشان تنها تبلیغ کالای خاصی است و در کنارش از مطالب مربوط به آن کالا در مورد ورزش و یا مسائل سلامت هم گفته می‌شود، ظهرها در برنامه‌های آشپزی همه وسایل یک آشپزخانه مدرن و مجهز تبلیغ می‌شود، شب‌ها در میان هر برنامه ۵ دقیقه و قبل از برنامه‌های پر بیننده تا ۲۵ دقیقه آگهی بازرگانی به نمایش در می‌آید، در حالی که جای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی در ساعات اوج بیننده در تلویزیون خالیست! افراط در تبلیغی که شاید در گذشته نه چندان دور شاهد نیمی از آن هم نبودیم! و به غیر از حجم بالای تبلیغات محتوای آنان نیز قابل بحث است، محتوایی که در تعداد نه چندان کمی از تبلیغات تلویزیونی، به جای معرفی آگهی، شیوه اقناع مخاطب در پیش گرفته شده، تا بیننده در نهایت بعد از یک دوره متمرکز تبلیغ آن محصول، قانع شود که به چنین محصولی احتیاج دارد و باید حتماً یکی از آن را بخرد و در بعضی موارد این احساس نیاز به صورت غیر ارادی (مانند همان شیوه تبلیغ نوشابه) در فرد بوجود می‌آید و تنها راه رفع این نیاز (عطش) خرید کالای مورد نظر است و این چیزی جز مصرف‌زدگی نیست.

در دهه ۱۹۹۰ در ابتکاری در تبلیغات سینمایی در آمریکا، طی ساخت فیلمی بین فریم‌های آن، هر از چندگاهی فریمی از تبلیغ یک نوشابه نیز قرار داده شد به طوری که در کمتر از یک بیست و چهارم ثانیه این تبلیغ از جلوی چشم مخاطب عبور می‌کرد و مخاطب اصلاً متوجه نمی‌شد که چرا چنین اتفاقی می‌افتد و فیلم را تماشا می‌کرد. شاید فکر کنید که این تبلیغ که مخاطب حتی متوجه آن نمی‌شود چه سودی دارد؟!، اما نتایج چیز دیگری را می‌گفتند...

هجوم مردم تشنه و خواهان نوشیدنی، (و آن هم نوشابه) پس از اتمام این فیلم‌ها در هر سانس به سمت فروشگاه‌های نوشیدنی سینما و اطراف سینما اتفاق افتاد بود که پس از اتمام فیلم‌های دیگر روی نمی‌داد و کسی احساس تشنگی نمی‌کرد. جالب تر اینکه اکثریت کسانی که برای رفع عطش خواهان خرید نوشابه بودند، همان برند تبلیغ شده بین فریم‌های فیلم را می‌خریدند!

با اینکه پس از این ماجراها، این مدل تبلیغ غیر قانونی خوانده شد و دیگر انجام نشد، اما این واقعه معجزه تبلیغ نامحسوس، در ایجاد احساس نیاز کاذب در ناخودآگاه افراد را به همگان ثابت کرد.

چند وقتی است قضایایی از قبیل کمبود بودجه صدا و سیما مطرح است و می‌بینیم که به شدت بر شدت تبلیغات تجاری تلویزیون افزوده شده است. دیگر برنامه آشپزی‌ای نیست که تبلیغ مجموعه‌ای از کالاها را نکند. تیزرهای ۱۰ دقیقه‌ای



شاید لازم باشد سخنان فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز معروف آمریکایی بعد از عملیات کربلای ۵ و تسخیر فو را در اینجا برای سیاست‌گذاران رسانه ملی بازگو کرد که:

"افق پرواز شیعیان بسیار بالاتر از تیرهای ماست و تنها راه غلبه بر آنها این است که میل آنها را از شهادت‌طلبی به مصرف‌زدگی و ارزش ساده‌زیستی آنان را به تجمل‌گرایی تغییر دهیم."

در کل امیدواریم که رسانه ملی با نگاه جامع‌تر و بلندمدت‌تر نسبت به مسائل مالی خویش و تأثیرات فرهنگی که می‌تواند بر جامعه بگذارد، ابتدا نظارت بیشتری بر روی محتوا و شکل تبلیغات پخش شده انجام دهد و در ثانی با مدیریت بهتر هزینه‌ها، حجم آنها را متناسب با نیازهای جامعه تنظیم کند.

### بسیج دانشجویی دانشکده فنی دانشگاه تهران

سردبیر : حمید مهاجرانی

مدیر مسئول : علیرضا موری

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ماه ۹۳

نظرات و مطالب خود را با ما در میان بگذارید.

nabz.fanni@gmail.com

تبلیغ یک کالا، مکرر در تلویزیون دیده می‌شود و گذشته از اینها عرضه کنندگان کالا حتی قرعه کشی‌های خود را هم داخل برنامه‌های تلویزیونی انجام می‌دهند! اخیراً تبلیغات ایشان به سریال‌ها هم باز شده است، طوری که مخاطبان تلویزیونی "به ناچار" باید قبل و وسط و حتی در طول برنامه مورد علاقه خود مورد هجوم آگهی‌های متعدد تبلیغاتی قرار بگیرند. هجومی که شاید برای صدا و سیما و تهیه کنندگان آن جیب پر تر به همراه بیاورد اما برای فرهنگ کشور اصالت‌دهی بیشتر به کالا و برای مردم احساس نیاز به مصرف بیشتر به همراه می‌آورد. هیچ کس حتی مدیران صدا و سیما هم منکر این قضیه نیستند که تبلیغات فراوان اثرات سوء خود را دارد. برای مثال علی مقدسی، معاون روابط عمومی صداوسیما اینگونه توضیح می‌دهد که: "نمی‌توان اهمیت تبلیغات را برای رسانه‌های داخلی نادیده گرفت. به هر حال آگهی‌های تجاری منبع درآمد خوبی برای رسانه‌ها هستند که با حذف آنها عملکرد و قدرت رسانه‌ها در سایر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و ... نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که آگهی‌های تجاری ممکن است به نوعی مروج مصرف‌گرایی باشند. بنابراین حذف آگهی‌ها برای رسانه نتایج خوبی در بر ندارد و فقط باید با راهکارهایی پخش آنها را نظارت کرد یا با برنامه‌های جداگانه و خاص دیگر اثرات منفی تبلیغات را خنثی کرد"